



توبه و توبه الحسن از شهیدی



فرمانهای از نامه امام خمینی علیه السلام به حاج احمد آقا

بسم الله الرحمن الرحيم

نتیجه برتری جویها

... و این رنج رقابت در همه اقسام است، از ثروتمند و قدرتمند گرفته تا طبقات دیگر، لکن هر چه بالا برود به همان اندازه درد و رنج رقابت بالا می‌رود و آنچه مایه نجات انسانها و آرامش قلوب است، وارستگی و گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای متعال حاصل می‌شود.^۱ آنان که در صدد برتریها به هر نحو هستند؛ چه برتری در علوم، حتی الهی آن، یا در قدرت و شهرت و ثروت، کوشش در افزایش رنج خود می‌کنند. وارستگان از قیود مادی که خود را از این دام ابلیس تا حدودی نجات داده‌اند، در همین دنیا در سعادت و بهشت رحمتند.

میزان در اعمال

پسرم! نه گوشه‌گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود به جامعه و

۱. اشاره به مضمون آیه شریفه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد / ۲۸).

تشکیل حکومت، شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال، انگیزه‌های آنهاست و چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر، با آنچه مناسب اوست، چون خودبینی و خودخواهی و غرور و عجب و بزرگ‌بینی و تحقیر خلق الله و شرک خفی و امثال آنها، او را از حق دور و به شرک می‌کشاند و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی به معدن قرب حق نائل می‌شود....

پس میزان عرفان و حرمان، انگیزه است. هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیک‌تر باشند و از حُجُب، حتی حُجُب نور و ارسته‌تر، به مبدأ نور وابسته‌ترند، تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است.

پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است شانه خالی مکن، که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست‌اندرکاران نیست، و دست و پا برای به دست آوردن مقام، هر چه باشد، چه مقام معنوی و چه مادی مزین، به عذر آنکه می‌خواهم به معارف الهی نزدیک شوم یا خدمت به عباد الله نمایم، که توجه به آن از شیطان است، چه رسد به کوشش برای به دست آوردن آن.

تفکر در سوره حشر

پسرم! سوره مبارکه حشر را مطالعه کن^۱، که گنجینه‌هایی از معارف و تربیت در آن است و ارزش دارد که انسان یک عمر در آنها تفکر کند و از آنها به مدد الهی توشه‌ها بردارد، خصوصاً آیات اواخر آن از آنجا که می‌فرماید:

۱. استاد علامه محمد تقی جعفری علیه السلام در وصف حضرت امام علیه السلام در حال تفسیر آیات آخر سوره حشر این گونه می‌فرماید: «در سهای ایشان از نظر عرفان خیلی اوج داشت. سیمای امام خمینی علیه السلام نشان می‌داد که از مواهبی برخوردارند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند» (فروغ اندیشه، حسن اردشیری، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ص ۳۱).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۱ «ای اهل ایمان خدا ترس شوید و هر نفسی بنگرد تا چه عملی برای فردای (قیامت) خود پیش فرستاده است و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است.»

پسرم! مجاهده کن!

... کوشش کن کلمه توحید را که بزرگ‌ترین کلمه و والاترین جمله است، از عقلت به قلب برسانی، که حظّ عقل همان اعتقاد جازم برهانی است و این حاصل برهان اگر با مجاهدت و تلقین به قلب نرسد، فایده و اثرش ناچیز است. چه بسا بعضی از همین اصحاب برهان عقلی و استدلال فلسفی بیشتر از دیگران در دام ابلیس و نفس خبیث می‌باشند، (پای استدلالیان چوبین بود)^۲ و آنگاه این قدم برهانی و عقلی تبدیل به قدم روحانی و ایمانی می‌شود که از افق عقل به مقام قلب برسد و قلب باور کند آنچه را استدلال اثبات عقلی کرده است. پسرم! مجاهده کن که دل را به خدا بسپاری و مؤثری جز او ندانی!

پسرم! چه خوب است به خود تلقین کنی، و به باور خود بیاوری یک واقعیت را که مدح مداحان و ثنای ثناجویان چه بسا که انسان را به هلاکت برساند و از تهذیب دور و دورتر سازد، تأثیر سوء ثنای جمیل در نفس آلوده ما، مایه بدبختیها و دور افتادگیها از پیشگاه مقدس حق - جلّ و علا - برای ما ضعفاء النفوس خواهد بود، و شاید عیب جویبها و شایعه پراکنیها برای علاج معایب نفسانی ما سودمند باشد، که هست، همچون عمل جراحی دردناک که موجب سلامت مریض می‌شود.

۱. حشر / ۱۸.

۲. مولوی.

آنان که با ثناهای خود ما را از جوار حق دور می‌کنند، دوستانی هستند که با دوستی خود با ما دشمنی می‌کنند و آنان که پندارند با عیب‌گویی و فحاشی و شایعه‌سازی با ما دشمنی می‌کنند، دشمنانی هستند که با عمل خود ما را اگر لایق باشیم، اصلاح می‌کنند، و در صورت دشمنی، با ما دوستی می‌نمایند. من و تو اگر این حقیقت را باور کنیم و حیل‌های شیطانی و نفسانی بگذارند واقعیات را آن‌طور که هستند ببینیم، آنگاه از مدح‌مداحان و ثنای ثناجویان آن‌طور پریشان می‌شویم که امروز از عیب‌جویی دشمنان و شایعه‌سازی بدخواهان، و از عیب‌جوییها را آن‌گونه استقبال می‌کنیم که امروز از مداحیها و یاوه‌گوییهای ثناخوانان.

اگر از آنچه ذکر شد به قلبت برسد، از ناملایمات و دروغ پردازیه‌ها ناراحت نمی‌شوی و آرامش قلب پیدا می‌کنی که ناراحتیها اکثراً از خودخواهی است. خداوند همه ما را از آن نجات مرحمت فرماید!

آفات فراموشی خداوند

... نسیان حق موجب نسیانِ انفس می‌شود.^۱ چه «نسیان» به معنی فراموشی باشد یا به معنی ترک، در هر دو معنی هشدار شکننده‌ای است: لازمه فراموشی حق تعالی آن است که انسان خود را فراموش کند یا بگوید حق تعالی او را به فراموشی از نفس خود کشاند و... در مرحله عمل آن کسی که خدا را و حضور او - جلّ و علا - را فراموش کند به فراموشی از خویشتن مبتلا شود یا کشیده شود، بندگی خود را فراموش کند، از مقام عبودیت به فراموشی کشیده شود و کسی که نداند چیست، و کیست، و چه وظیفه‌ای دارد و چه عاقبت، شیطان در او حلول نموده و به جای

۱. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَسِيَ اللَّهَ أَنْسَاهُ نَفْسَهُ» (غررالحکم و دررالکلم، آمدی، ص ۵۸۰، دارالکتاب الاسلامی، تصحیح سید مهدی رجایی، ج دوم، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م).

خویشتن او نشسته و شیطان عامل عصیان و طغیان است و اگر به خود نیاید و به یاد حق برنگردد و به همین حال طغیان و عصیان از این جهان منتقل شود، شاید به صورت شیطان مطرود حق تعالی درآید. و به معنی دیگرش که به معنی ترک باشد، دردناکتر است؛ زیرا اگر ترک اطاعت حق و ترک حق موجب شود که حق او را ترک کند و عنایات خود را از او قطع فرماید، شک نیست که به خذلان دنیا و آخرت منتهی می شود. در ادعیه شریفه معصومین می بینیم دعا برای عدم ایكال ما به نفس خویش تأکید شده است، چه آنان علیهم السلام می دانستند پی آمدهای این معصیت را، و ما از آن غافل هستیم.

نه مایوس، نه مغرور

پسرم! گناهان را، هر چند کوچک به نظرت باشند، سبک مشمار «أَنْظُرَ الی مَنْ عَصَيْتَ»^۱ و با این نظر، همه گناهان، بزرگ و کبیره است. به هیچ چیز مغرور مشو و خدای تبارک و تعالی را که همه چیز از اوست و اگر عنایت و رحمانیتش از موجودات سراسر عالم وجود، لحظه ای منقطع شود، اثری، حتی از انبیا، مرسلین و ملائکه مقربین باقی نخواهد ماند؛ چون همه عالم جلوه رحمانیت او - جَلّ و علا - است و رحمت رحمانی او - جَلّ و علا - بطور استمرار (با کوتاهی لفظ و تعبیر) مبقی نظام وجود است «ولا تکرار فی تجلیه جَلّ و علا» و گاهی تعبیر شود از آن به بسط و قبض علی سبیل الاستمرار. در هر حال حضور او را فراموش مکن و مغرور به رحمت او مباش، چنان که مایوس نباید باشی و مغرور به شفاعت شافعان علیهم السلام مباش که همه آنها موازین الهی دارد و ما از آنها بی خبریم. مطالعه در ادعیه معصومین علیهم السلام و سوز و گداز آنان از حضرت حق و عذاب او سر لوحه افکار و

۱. بنگر چه کسی را نافرمانی کرده ای.

رفتارت باشد. هواهای نفسانی و شیطانی نفس اماره ما را به غرور وامی‌دارد و از این راه به هلاکت می‌کشاند.

آفات حبّ دنیا

بسر! هیچگاه دنبال تحصیل دنیا، اگرچه حلال او باشد، مباش که حبّ دنیا، گرچه حلالش باشد، رأس همه خطایاست،^۱ چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می‌کشاند. تو جوانی و با قدرت جوانی که حق داده است می‌توانی اولین قدم انحراف را قطع کنی و نگذاری به قدمهای دیگر کشیده شوی که هر قدمی، قدمهایی در پی دارد و هر گناهی - گرچه کوچک - انسان را به گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کشد، به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید؛ بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعضی کبائر به یکدیگر فخر می‌کنند و گاهی به واسطه شدت ظلمات و حجابهای دنیوی، منکر به نظر معروف و معروف منکر می‌گردد.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. از امام صادق علیه السلام است که «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ ریشه و سر هر خطاکاری دوستی دنیا است.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۲، ح ۱).

۲. متن کامل این نامه در کتاب نقطه عطف به چاپ رسیده است.